

ارزیابی نظریه های شهرسازی مشارکتی

مرتضی زبان دان

کارشناسی عمران، موسسه آموزش عالی نجف آباد

چکیده

این پژوهش با هدف ارزیابی نظریه های شهرسازی مشارکتی انجام گرفت. روش تحقیق کتابخانه ای با استفاده از کتب، مقالات، پایان نامه ها و... بود. نتایج نشان داد مشارکت عمومی می تواند به بهبود کیفیت زندگی شهری، افزایش حس تعلق و مسئولیت اجتماعی در میان ساکنان، و ارتقای کارایی خدمات شهری منجر شود. با این حال، چالش هایی همچون عدم آگاهی شهروندان، فقدان زیرساخت های مناسب برای مشارکت، و مقاومت نهادهای دولتی در برابر تغییرات، می تواند مانع از تحقق کامل اهداف نظریه های شهرسازی مشارکتی شود. ارزیابی نظریه های شهرسازی مشارکتی نشان می دهد که این رویکرد می تواند به عنوان یک ابزار مؤثر برای حل مسائل پیچیده شهری و ایجاد فضایی پایدار و عادلانه برای تمامی ساکنان شهرها عمل کند. با توجه به چالش های روزافزون شهری، لازم است که نهادهای مسئول، برنامه ریزان و شهروندان به همکاری و مشارکت در فرآیندهای توسعه شهری ادامه دهند تا به آینده ای بهتر و پایدارتر برای شهرها دست یابند.

واژه های کلیدی: شهر، شهرسازی، شهرسازی مشارکتی

مقدمه

شهرها به عنوان مراکز اصلی زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، همواره در حال تحول و تغییر هستند. در این راستا، نظریه‌های شهرسازی مشارکتی به عنوان رویکردی نوین و مؤثر در برنامه‌ریزی و توسعه شهری مطرح شده‌اند. این نظریه‌ها بر این اصل تأکید دارند که شهروندان باید در فرآیند تصمیم‌گیری و طراحی فضاهای شهری نقش فعال‌تری ایفا کنند. مشارکت عمومی نه تنها به افزایش حس تعلق و مسئولیت اجتماعی در میان شهروندان منجر می‌شود، بلکه می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و ارتقای کارایی خدمات شهری نیز کمک کند. در دهه‌های اخیر، با توجه به چالش‌های متعددی که شهرها با آن مواجه هستند، از جمله رشد بی‌رویه جمعیت، آلودگی محیط زیست، و نابرابری‌های اجتماعی، نیاز به رویکردهای مشارکتی در شهرسازی بیش از پیش احساس شده است. نظریه‌های شهرسازی مشارکتی به دنبال ایجاد فضایی برای تبادل نظر و همکاری میان شهروندان، برنامه‌ریزان و مسئولان شهری هستند تا از این طریق به حل مسائل پیچیده شهری بپردازند. این مقاله به ارزیابی نظریه‌های شهرسازی مشارکتی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با تحلیل ابعاد مختلف این نظریه‌ها، نقاط قوت و ضعف آن‌ها را شناسایی کند. هدف اصلی این تحقیق، ارائه یک چارچوب نظری جامع برای درک بهتر از نظریه‌های شهرسازی مشارکتی و تأثیر آن‌ها بر فرآیندهای توسعه شهری است.

مشارکت شهروندان

مشارکت مردمی به معنی گردهم آیی و تشکل آگاهانه و خودجوش جمعی از شهروندان ساکن در یک محدوده به منظور بهبود وضعیت زندگی به شیوه‌ای غیر انتفاعی و براساس آگاهی‌های فردی و جمعی آنها در کلیه مراحل تهیه طرح، نظارت و اجرا می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۷). به نحوی که این دخالت و درگیری داوطلبانه منجر به بروز ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های نهفته مردمی شده و آنها را با محدودیت‌ها و امکانات طرح در هریک از مراحل آن آشنا ساخته و موجب تقویت اعتماد به نفس، افزایش روحیه همکاری و همچنین تحکیم همبستگی‌های اجتماعی می‌شود. از طرفی قدرت رویارویی مردم با مسائل و مشکلات زندگی شهری افزایش می‌یابد. علی‌رغم منافع و ضرورت‌های آشکار و نهان مشارکت مردمی، هنوز نقش و جایگاه تعیین‌کننده‌ای در طرح‌های نوسازی بافت‌های فرسوده شهری که نیازمند دخالت گسترده مردم در فرآیند انجام آنها می‌باشد، به دست نیآورده است (غلامی، ۱۳۹۹). از طرفی مشارکت، پیشینه‌ای تاریخی دارد، عمل مشارکت، با مفاهیم همبستگی، همکاری، یاری، اتحاد، انجمن و نظایر اینها همراه است. مشارکت تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسؤؤلانه است، و یکی از ساز و کارهای اعمال قدرت به شمار می‌رود که تنها می‌تواند از درون برخیزد. بلور واقعی مشارکت در جمع روی می‌دهد و در جمع بازتاب می‌یابد (خوانساری و نیل‌فروشان، ۱۳۹۹).

از این روست که مشارکت فرایندی اجتماعی به شمار می‌رود (کاکاوند و همکاران، ۱۳۹۲). امر مشارکت مردم در امور اجرایی، توسعه و عمران بافتهای شهری به خصوص نوسازی بافت‌های فرسوده شهری که در حال حاضر از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد به اعتباری ساده و سهل و بدیهی به نظر می‌رسد، به نحوی که شاید برخی طرح موضوع را چندان ضروری ندانسته و بر این باور باشند که وجود زمینه‌های سنتی مشارکت در جامعه و تنها تقویت و پرورش این زمینه‌ها و احیاناً ایجاد انگیزه‌های مناسب در عرصه مشارکت کافی باشد. اما تجربه حاکی از آن است که بدهات هر امری نشانه‌ساز و سهولت‌دستیابی به آن نیست و لازمه تحقق آن نیازمند مطالعات وسیع و ایجاد نهادها و تشکلهای مردمی و قانونی می‌باشد (پورصفر و همکاران، ۱۳۹۸). بدون تردید نادیده گرفتن مردم در طرح‌های عمران شهری ازجمله طرح‌های نوسازی شهری به معنی چشم‌پوشی از

مشارکت مادی و معنوی مردمی خواهد بود که متغیر اصلی این مقوله بوده و چه بسا اگر مردم در تمام مراحل طرح آگاه از جریان امر نباشند، طبیعتاً نسبت به طرح و اتفاقات محیط شهری خویش نیز بی تفاوت خواهند بود (کاکاوند و همکاران، ۱۳۹۲).

نظریه های شهرسازی (برنامه ریزی) مشارکتی

در نظریه های متعددی زمینه برنامه ریزی مشارکتی و شهرسازی مشارکتی از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به این سو، مطرح گردیده است. بیان تمامی نظریه های فوق از حوصله پژوهش حاضر خارج است، از این رو ۴ نظریه اصلی، در این جا تشریح می گردد. ملاک انتخاب این نظریه ها، میزان نوآوری و خلاقیت، استحکام نظری و تأثیر گذاری بر نظریه های بعدی است (کاظمی، ۱۳۸۰):

الف) نظریه مشارکتی جان ترنر

در فرایند تحول نظریات مربوط به نقش مردم و دولت در امر توسعه که توسط سازمان ملل متحد و کارشناسان آن سازمان نظریه پردازی شده است، به تشکیل سازمان های محلی توسط اجتماعات محلی تأکید شده است، تا این سازمان های غیر دولتی محلی نقش فعالی در توسعه و اداره امور محلی بر عهده گیرد.

جان ترنر^۱ از متخصصان و کارشناسان سازمان ملل متحد در امور مشارکت های مردمی، نظریات عمده ای را در این باب ارائه نموده است وی با کارهای تحقیقاتی میدانی وسیع و نظریه پردازی های عمیق خود، انواع مشارکت را به طور اصولی و علمی طبق بندی کرده و نظریه مربوط به آن را بیش از پیش عملی و قابل فهم گردانیده است. تحقیقات ترنر و دیگران نشان می دهد، هنگامی که دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت می کند هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی توان و امکانات آن نیز از دست می رود. وی با طبقه بندی اصولی انواع مشارکت در جدول معروف خود، کمک شایانی به شکل گیری نظریه مشارکت کرده است. در زیر خلاصه ای از نظریه وی را مشاهده می - نمائید.

۱- در حالت اول دولت به شکل متمرکز عمل کرده و نیازی به مشارکت مردم احساس نمی کند. از این جمله دولتها می توان به کشورهای عربی اشاره کرد.

۲- در این حالت دولت مقتدر و متمرکز ولی ثروتمند نیست. دولت به زور و یا با تشویق، از مردم می خواهد کار مجانی در طرح های زیر هدایت دولت انجام دهند، و یا پول اهدا کنند و دولت خود اقدام به انجام طرح های عمرانی می کند.

۳- در این حالت دولت تابع تصمیم گیری مردم در تمام اموری که مربوط به آنها می شود، است. در حالی که دولت هزینه های عمرانی را از ثروت ملی می پردازد. مانند حکومت های متکی بر مشارکت و دموکراسی از جمله کشورهای اسکاندیناوی.

۴- دولت دخالتی در امور محلی نمی کند. خود مردم از طریق ارگان های مردمی که تشکیل می دهند، هم منابع ملی را برای انجام توسعه فراهم می کنند و هم خودشان در تمام امور محلی تصمیم می گیرند: همانند شماره قاره اروپا و آمریکا.

آخرین نظریات بر این امر تأکید دارد دولت و مردم شرکایی هستند که با یکدیگر تقسیم کار می کنند. محققین در زمینه مشارکت، در سال های اخیر نظریات مربوط به مشارکت سازمان ملل، بانک جهانی، جهان مرکز و ... را بار دیگر آزمودند و در

¹ John Turner

مورد نظریه آنان به نظریه تازه تری رسیدند. نظریه پردازان اخیر، از نظریه مشارکت^۱ به نظریه شراکت^۲ رسیدند. بر اساس نظریه شراکت، دولت مردم باید مانند دو شریک دارای منابع مشترک و با حقوق و اختیارات معین در کلیه کارهای مربوط به توسعه و اداره امور محلی کشور دوش به دوش همدیگر و هماهنگ با یکدیگر فعالیت کنند. در نظریه شراکت هم دولت و هم مردم با هم کار می‌کنند. دولت آن چرا که مردم نمی‌تواند فراهم کند و یا درباره آن تصمیم بگیرند، فراهم می‌کند و یا برای آن تصمیم می‌گیرد و همزمان مردم محلی در چهار چوب تشکیلات اجتماعات محلی خود هر آنچه که می‌توانند فراهم می‌کنند و در مورد هر آنچه که بخواهند و بتوانند تصمیم می‌گیرند.

ب) نظریه مشارکتی جیمز میجلی:

میجلی بر اساس پاسخ دولت ها به مشارکت، آن را به چهار نوع تقسیم می‌کند:

۱- شیوه ضد مشارکتی

طرفداران این عقیده معتقد به سرکوب مشارکت توده ها هستند. حکومت ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آن ها تعارض پیدا کند، نمی‌دهد.

۲- شیوه مشارکت هدایت کننده

در این شیوه دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه های پنهانی، حمایت می‌کند. مشارکت اجتماع محلی، در این شیوه، به منظور کنترل سیاسی اجتماعی، با علم به این که مشارکت، اجرای طرح را تسهیل می‌کند، به کار می‌رود. در مجموع دولت ها با بهره گیری از شیوه های مشارکت هدایت شده اهداف زیر را دنبال می‌کند:

۱- استفاده ابزاری از مشارکت، برای اجرای طرح های عمرانی

۲- کنترل جنبش ها و اجتماعات محلی

۳- استفاده از جاذبه های مشارکت برای کسب مشروعیت سیاسی - اجتماعی

۳- شیوه مشارکت فزاینده

در این شیوه دولت در برخورد با مشارکت به شکلی دوگانه عمل می‌کند. به این ترتیب که در موضع گیری های رسمی از آن حمایت می‌کند، اما عملاً در مسیر تحقق پیشنهاد های مشارکتی اقدام موثری انجام نمی‌شود (حبیبی، ۱۳۸۴).

۴- شیوه مشارکت واقعی

در این شیوه دولت، به طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد ساز و کارهای برای ورود موثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه ها، تلاش می‌کند. در این شیوه دولت متعهد به فعالیتهای مشارکتی از طریق آموزش و تقویت اجتماعات محلی و ... و هماهنگی در تصمیمات مرکزی و محله ای است (حسینی، ۱۳۸۷).

ج) نظریه مشارکتی شری ارنشتاین:

در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، نقش مشارکت شهروندان در جوامع بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. ارنشتاین مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و در توضیح آن از نردبان مشارکت استفاده کرد.

¹ participation

² partnership

جدول (۱): نردبان مشارکت شهروندی (ارنشتاین، ۱۹۹۶)

جهت حرکت از پایین به بالا	سطوح مشارکت	مرحله	پله‌های مشارکت	افزایش سطح مشارکت و مشارکت پذیری
	سطح عدم مشارکت	۱	دستکاری و عوام فریبی (Manipulation)	
		۲	درمان (Therapy)	
	سطح مساوات طلبی (نمایشی مشارکت جزئی)	۳	اطلاع رسانی (Informing)	
		۴	مشاوره (Consultation)	
		۵	تسکین بخشیدن (Placation)	
	سطح قدرت [افتدار] شهروندی	۶	شرکت (Partnership)	
		۷	قدرت تفویض شده (Delegated power)	
		۸	اختیار شهروندان (Citizen control)	

منبع: ارنشتاین (۱۹۶۰)

در پایین ترین سطح نردبان ارنشتاین هیچ قدرتی برای شهروندان متصور نیست، و به عبارت دیگر، عدم مشارکت در دو رده خود را نشان می‌دهد که وی آنها را ظاهر فریبی و درمان می‌نامد. بر اساس نظر ارنشتاین، بعضی از سازمان های دولتی، شکل های ساختگی از مشارکت را تدارک دیده اند که هدف واقعی آنها، آموزش شهروندان برای قبول کارهایی است که از قبل تکلیفش روشن شده است (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰).

پلکان بعدی، شکل دیگری از عدم مشارکت معرفی می‌شود که درمان نام گرفته است. این نوع عدم مشارکت، هم غیر صادقانه و هم خودخواهانه است. در اینجا، هدف پیدا کردن راه چاره ای برای دیدگاه ها و رفتارهایی است که یک مؤسسه خودش با آنها موافق نیست، اما در زیر سرپوش نظر خواهی از شهروندان چنین چیزی را اعلام می‌کند (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰).

پله های دیگر این نردبان که به عنوان یک قدم اولیه مفید توجیه شدنی است، اطلاع رسانی و مشاوره است. آگاه کردن شهروندان از حقایق موجود در مورد برنامه های حکومت و حقوق و مسؤولیت های آنان و راهکارهای موجود، به خصوص اگر طوری طراحی شده باشد که جریان اطلاعات یکسویه نباشد، گامی مثبت در جهت حرکت به سوی جلب مشارکت شهروندان به شمار می آید (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰).

تسکین بخش یدن و فرونشاندن خشم شهروندان^۱ پله ای از نردبان مشارکت است که براساس آن مدلی از مشارکت ارائه می شود که نتیجه اش بهره مند شدن شهروندان ضعیف از سهمی است که از آن طریق خشم شان فرو می نشیند و به طور موقت تسکین می‌یابند.

¹ Placation

در بالاترین پله های این نردبان، شراکت، قدرت تفویض شده^۱ و کنترل شهروندی به عنوان شکل های واقعی تری از مشارکت شهروندی شناسایی و مطرح می شود.

د) نظریه مشارکتی اسکات دیوید سون:

اسکات دیوید سون، گردونه ی مشارکت خود را برای بحث مشارکت شهروندی طراحی کرد. این گردونه، سطوح مختلفی از مشارکت را بدون این که ترجیحی برای هر یک قائل شود، ارائه می کند. در این مدل، تصمیم گیری در تعاملی مستمر بین دولت و شهروندان صورت می گیرد.

هر چند که دیوید سون برای سطوحی که برای مشارکت بیان می کند، تقدم و تاخر خاصی قائل نیست و اساساً به همین دلیل از استعاره ی گردونه به جای نردبان استفاده می کند، اما به هر حال سطوح چهارگانه ای برای مشارکت در نظر دارد که عبارتند از:

- ۱- اطلاع رسانی
- ۲- مشاوره
- ۳- مشارکت
- ۴- توانمند سازی

ه) نظریه مشارکتی دیوید دریسکل^۲ (۲۰۰۱)

دریسکل در اثر خود با عنوان «شهرهایی بهتر همراه با کودکان و نوجوانان؛ راهنمایی برای مشارکت» که توسط یونسکو به چاپ رسیده، مباحثی در رابطه با مشارکت و انواع آن طرح می کند. وی معتقد است، مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است:

الف) توسعه، در وهله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان محلی باشد

ب) مردمی که در محدوده مورد برنامه ریزی زندگی می کنند، دقیق ترین اطلاعات را درباره آن محدوده دارند.

ج) مردمی که بیشترین تاثیرات را از تصمیمات می پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در تصمیم گیری دارند.

از نظر دریسکل اشکال مختلفی از مشارکت وجود دارد که در دو دسته کلی تر «مشارکت» و «عدم مشارکت» جای می گیرد. دریسکل انواع مشارکت را رد یک نمودار دو بعدی و بر حسب میزان اختیار در تصمیم گیری به شکل زیر نشان می دهد.

الف) اشکال عدم مشارکت:

۱- دستکاری و تقلب^۳

وقتی اتفاق می افتد که از نیروی کار و منابع مردم محلی، برای رسیدن به اهداف طرح استفاده می شود، بدون این که قدرت تصمیم گیری موثر به آنان اعطا شود.

¹ Delegated power

² David Driskell

³ Manipulation & Deception

۲- تزئین^۱

وقتی است که از افراد، خواسته می‌شود کاری را انجام دهند، بدون اینکه هدف کار را بدانند. نمونه‌ی عملی مشارکت تزئینی وقتی است که از عده‌ای که از محتوای یک سخنرانی یا سمینار هیچ اطلاعی ندارند، خواسته شود برای پر کردن سالن و مهم جلوه دادن جلسه، در آن شرکت کنند.

۳- مساوات طلبی نمایشی^۲

وقتی است که افراد، ظاهراً در کارها، مشارکت داده شده اندولی در واقع، اختیاری درباره‌ی موضوع و روند کارها ندارند. نمونه‌ی مساوات طلبی نمایشی وقتی است که یکی از اهالی توسط مدیران طرح انتخاب شود تا به عنوان نماینده‌ی مردم در جلسات شرکت کند؛ در حالی که او توسط اهالی انتخاب نشده و معلوم نیست که آنها را به اندازه‌ی کافی بشناسد و بتواند نظر اهالی را منتقل کند.

ب) اشکال مشارکت^۳

۱) مشاوره^۴

وقتی است که مسؤولین یا برنامه ریزان، نظرات مردم را جویا می‌شوند و به نظرات آنها به طور جدی در تصمیم‌گیری‌ها توجه می‌شود. مشاوره بسته به اینکه چگونه انجام گیرد، می‌تواند در حوزه‌ی قلمرو مشارکت یا عدم مشارکت قرار گیرد.

۲) بسیج اجتماعی^۵:

وقتی است که از مردم خواسته می‌شود در برنامه‌ای که از قبل تدارک دیده شده شرکت کنند. برخی اوقات، بسیج اجتماعی به حوزه‌ی عدم مشارکت و گاهی اوقات هم به حوزه‌ی مشارکت، کشانده می‌شود. اگر مردم ندانند که مشغول چه کاری هستند و چرا این کار را انجام می‌دهند و فرصت کمی برای تأثیرگذاری بر روند طرح و نتایج آن داشته باشند، بسیج اجتماعی در قلمرو عدم مشارکت، قرار می‌گیرد. بسیج اجتماعی نمی‌تواند به مشارکتی معنا دار تبدیل گردد؛ به شرطی که:

- مردم به اندازه‌ی کافی نسبت به کاری که انجام می‌دهند، اطلاعات داشته باشند؛
- مشارکت کاملاً داوطلبانه و اختیاری باشد؛
- آراء و نظرات مردم بر تصمیمات و نتایج طرح تأثیر بگذارد.

۳) مسوؤلیت‌پذیری مردم^۶

وقتی صورت می‌گیرد که شهروندان، فعالیتی را آغاز می‌کنند، خود، تصمیمات را اتخاذ کرده و نهایتاً محصول نهایی کار را تعیین می‌کنند. سطح تعامل با دیگر افراد جامعه، نسبتاً پایین است؛ اما قدرت تصمیم‌گیری، بالاست.

¹ Decoration

² Tokenism

³ Forms of participation

⁴ Consultation

⁵ Social Mobilization

⁶ People in charge

۴) سهیم شدن در تصمیمات^۱

وقتی است که همه ی اعضای جامعه، بدون در نظر گرفتن سن و سوابقشان، فرصت می یابند تا در روند امور شرکت کنند و سهم برابری برای تأثیر گذاری بر تصمیمات داشته باشند. مهم این نیست که طرح توسط دولت یا مردم آغاز شده باشد؛ بلکه آنچه اهمیت دارد این است که متصدیان طرح، اهمیت جلب همکاری و مشارکت سایر اعضای جامعه، در جریان برنامه ریزی و تصمیم گیری، را درک نمایند (صرافی، ۱۳۸۷).

ارزیابی نظریه های شهرسازی مشارکتی

نظریه های ارائه شده در بخش مبانی نظری مشارکت که از مهمترین نظریه های موجود در حوزه ادبیات نظری شهرسازی مشارکتی است، غالباً با توجه به شرایط کشورهای پیشرو در مقوله مشارکت مطرح شده است، لذا سعی می شود با توجه به شرایط ایران و از دل نظریات ارائه شده در مبحث شهرسازی مشارکتی به ارائه چهارچوبی در زمینه نوسازی مشارکتی و عوامل تأثیر گذار در افزایش میزان تمایل مشارکت ساکنین بافت های فرسوده شهری به منظور نوسازی این محلات پرداخته شود. بنابراین نیاز به انگاره های تلفیقی که حاصل تلفیق نظریه های شهرسازی مشارکتی و شرایط ایران و همچنین خصوصیات بافت های فرسوده شهری باشد، احساس می شود. برای رسیدن به انگاره ی فوق، در ابتدا لازم است معیارهایی که بر اساس آن می توان عوامل تأثیر گذار در نوسازی مشارکتی را شناسایی کرد، مشخص نمود. در انتخاب این معیارها، هم نظریه های ذکر شده و هم شرایط ایران مد نظر قرار گرفته است و سعی شده این معیارها به گونه ای انتخاب شوند که تمام وجوه نوسازی مشارکتی را در بر گیرند (لازم به ذکر است که عوامل بسیاری در نوسازی مشارکتی دخیل می باشند که محقق تنها از چهار بعد به آنها نگریسته است) هم وجه ادراکی، هم وجه برنامه ریزی و هم وجه مدیریت اجرایی نوسازی بافت های فرسوده شهری (موحد و همکاران، ۱۳۹۲).

معیارهای ارزیابی نظریه ها:

معیارهای مورد نظر به منظور ارزیابی نظریه های ارائه شده به شرح ذیل می باشند:

الف) عوامل اجتماعی - فرهنگی

به دلیل پیچیدگی عوامل تأثیر گذار بر فرایند مشارکت و دگرگونی شرایط زندگی امروزی، فرایند مشارکت نیز امری پیچیده شده است. از این رو برای تحقق مشارکت واقعی لازم است عموم مردم آموزش های لازم در امور مربوط به مشارکت را ببینند. در طرح های نوسازی، مشارکت به دو صورت مطرح می گردد: مشارکت ساکنین در طرح نوسازی و مشارکت ساکنین با یکدیگر. لازمه مشارکت ساکنین در طرح اعتماد و اطمینان ایشان به مدیران شهری می باشد. از طرفی به دلیل ریزدانه بودن پلاک های موجود در بافت های فرسوده تجمیع پلاک های ریزدانه لزوم مشارکت ساکنین با یکدیگر را ایجاب می کند (شوریایی، ۱۳۸۶).

از این رو عوامل اجتماعی و فرهنگی از مهمترین عوامل تأثیر گذار در میزان مشارکت مردمی در زمینه نوسازی بافت های فرسوده شهری است که می بایست با نگاهی ژرف و تیز بینانه به آن نگریست.

¹ Shared decision-making

(ب) عوامل اقتصادی

به دلیل اینکه انسان موجودی اقتصادی است رفتارهای خود را عمدتاً بر اساس منافع اقتصادی خویش تنظیم می‌کند. به همین دلیل مشارکت مردم در هر امری، به ویژه در نوسازی بافت های فرسوده نیز تابع همین قاعده بوده و براساس آن سنجیده می‌شود. اگر منافع اقتصادی مردم توسط برنامه ریزان، مدیران و تصمیم گیران تأمین نشود نباید انتظار مشارکت مردمی گسترده در امر نوسازی را داشت.

(ج) عوامل ذهنی - روانی

بدیهی است که مردم انگیزه های نهفته فراوانی برای مشارکت در امر توسعه و بهبود شرایط زندگی در محلات خود را دارند. با ایجاد انگیزه از طریق تقویت تعامل چهره به چهره با ساکنین و ذی نفعان اصلی در بافت های فرسوده، رایج کردن گفتگو و فرهنگ تعامل و برانگیختن توانایی و قابلیت نهفته تک تک افراد می‌توان این انگیزه را افزایش داد (شوریابی، ۱۳۸۶).

(د) عوامل مدیریتی و قانونی

ممکن است شرایطی پیش آید که موانع قانونی بر سر راه مشارکت در نوسازی شهری و مدیریت آن بگذارد. در مواردی که مردم می‌توانند مشارکت داده شوند، باید شرایطی فراهم گردد که مشارکت آنان تحقق پیدا کند. اگر قوانین مانع مشارکت مردمی باشد باید این قوانین تغییر کند و اگر نهادهای اداری موجود شرایط مشارکت مردمی را جوابگو نباشند باید این ساختار اداری متحول شود.

مشاهده می‌شود که از بین معیارهای ذکر شده معیارهای اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی وجه برنامه ریزی را پوشش می‌دهند. معیار ذهنی - روانی وجه ادراکی و معیار مدیریتی و قانونی وجه مدیریت اجرایی نوسازی مشارکتی را در نظر دارند (شوریابی، ۱۳۸۶).

بررسی نظریه های شهرسازی مشارکتی و تلفیق آنها با شرایط ایران و ویژگی های بافت های فرسوده شهری انگاره ای ارائه گردید که هم قابلیت ارزیابی نظریه های موجود شهرسازی مشارکتی و هم قابلیت تبیین چهارچوب نظری نوسازی مشارکتی را داراست. در ارزیابی نظریه های مشارکتی با توجه به انگاره تلفیقی ارائه شده معلوم گردید که نظریه ارنشتاین و دریسکل کامل ترین بیان از سطوح مختلف مشارکت را مطرح کرده اند، به نحوی که نظریه آنها به روشنی سطوح مختلف هر سه دسته مشارکت شعاری، مشارکت محدود و مشارکت واقعی را در بر می‌گیرند (جدول ۲):

جدول (۲): ارزیابی نظریه های شهر سازی مشارکتی منبع: (رضوانی، ۱۳۸۴)

مشارکت واقعی	مشارکت محدود	مشارکت شعاری	
- شراکت - قدرت تفویض شده - اختیار شهروندان	- اطلاع رسانی - مشاوره - تسکین بخشی	- دستکاری - درمان	(۱) بردبان مشارکت ارنشتاین
- مشارکت واقعی	- مشارکت فزاینده	- مشارکت هدایت شده	(۲) میجلی
- مشارکت - توانمند سازی	- اطلاع رسانی - مشاوره		(۳) کردونه مشارکت دیویدسون
- مسئولیت پذیری مردم - سهیم شدن در تصمیم گیری	- مشاوره - بسیج اجتماعی	- مشارکت تزیینی - دستکاری - مساوات طلبی - نمایش	(۴) دریسکل
- برنامه ریزی مشارکتی (از طریق روند نهاد، ماکرود، پیش مباحثی گری و مباحثی گری)	- مشارکت عمومی		(۵) مباحثی گری

دسته بندی نظریه ها با توجه به شرایط ایران

توجه به معیارهای فوق می توان نظریه های شهرسازی مشارکتی را با توجه به شرایط ایران و مفهوم نوسازی بافت های فرسوده شهری به سه دسته تقسیم نمود:

الف) مشارکت شعاری

در واقع مشارکت محسوب نمی شود، بلکه ادعای داشتن مشارکت است. هر چند مشارکت شعاری واقعا مشارکت نیست بلکه تظاهر به مشارکت و مشارکتی صوری و منفعل است، اما توسل به شعار مشارکت در یک جامعه، خود قدمی به جلو است. زیرا: اولاً) مشارکت در بیان و نظر تأیید می شود و بهتر از نبود مشارکت حتی در سخن گفتن و اظهار نظر کردن است. ثانیاً) همین که مشارکت به شکل شعاری مقبول و پسندیده مطرح می شود نشانگر آن است که مشارکت به عنوان یک ارزش اجتماعی مورد قبول قرار گرفته است و در صورت توجه بیشتر، این ارزش می تواند درونی شود و مقدمات مشارکت محدود و واقعی را فراهم آورد.

ب) مشارکت محدود

در این نوع مشارکت، تامین منافع مردم تا جایی پیش می رود که با منافع دولت و مراجع برنامه ریزی تضاد پیدا نکند. مردم حق اظهار نظر و مخالفت دارند اما نمی توانند بر اجرای نظراتشان نظارت داشته باشند و اعمال خواسته های خود را پیگیری کنند. در مشارکت محدود تنها در تأمین اعتبار مالی طرح ها و نظرخواهی از مردم برای بعضی موارد برنامه ریزی منحصر می - شود (حسینی، ۱۳۸۷).

ج) مشارکت واقعی

در مشارکت واقعی هدف تأمین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت عموم است. ساکنین در تصمیم گیری و هدف گذاری مشارکت می کنند. علاوه بر اینکه ساکنین حق اظهار نظر دارند، حق اعتراض و مخالفت با طرح و حق نظارت بر اجرای خواسته هایشان را نیز دارند. این نوع از مشارکت به عنوان هدف تلقی می شود و موجب رشد فکری، اجتماعی و مدنی ساکنین می - گردد. در جدول شماره (۳) ویژگی های هریک از انواع سه گانه مشارکت با توجه به ۴ معیار مذکور نشان داده شده است:

جدول شماره (۳) ویژگی های هریک از انواع سه گانه مشارکت

نوع مشارکت	مشارکت شعاری	مشارکت محدود	مشارکت واقعی
اجتماعی - فرهنگی	- نبود رولپد اجتماعی میان ساکنین - نگرش افراد نسبت به مشارکت نگرشی صوری و عوام فریبانه است. - عدم اعتماد اجتماعی ساکنین نسبت به یکدیگر و همچنین نسبت به مسئولین. - عدم تأثیر گذاری ویژگی های فردی ساکنین در مشارکت - عدم اعتقاد و اعتماد فرد به مشارکت - ضعف فرهنگ شهروندی و جامعه مدنی - عدم توجه به نیازهای ساکنین - وجود فرهنگ پدر سالاری در بین مردم - عدم نهادینه شدن روحیه جمعی	- وجود رولپد اجتماعی محدود میان ساکنین - تعدیل نگرش ساکنین نسبت به مشارکت - اعتماد نسبی ساکنین نسبت به یکدیگر - توجه محدود به ویژگی های فردی ساکنین در مشارکت - گرایش به فعالیت های جمعی در بین ساکنین - اصلاح فرهنگ شهروندی - اعتماد و اعتقاد نسبی فرد به مفهوم مشارکت - توجه محدود به نیازهای ساکنین	- وجود انسجام اجتماعی واقعی در بین ساکنین - نگرش مثبت ساکنین نسبت به مفهوم مشارکت واقعی - اعتماد اجتماعی ساکنین به یکدیگر - اعتماد اجتماعی ساکنین به مسئولین - تأثیر گذاری ویژگی های فردی در مشارکت - اعتقاد و اعتماد ساکنین به مشارکت در نوسازی بافت - وجود فرهنگ شهروندی در بین ساکنین - نهادینه شدن روحیه جمعی در بین ساکنین - توجه مسئولین به نیازهای ساکنین
اقتصادی	- تأمین اعتبار مالی طرح از طریق ساکنین بدون بهره وری آنان از طرح	- مشارکت در اجرا و تأمین مالی با هدف سهم نمودن محدود ساکنین در سود آوری طرح	- مشارکت در اجرا و تأمین مالی طرح با هدف سهم نمودن واقعی ساکنین در سودآوری طرح
ذهنی - روانی	- عدم حس تعلق ساکنین نسبت به فضای شهری - عدم انگیزه مشارکت در ساکنین - عدم آگاهی های لازم از مفهوم مشارکت - عدم میزان اعتماد به نفس در ساکنین - وجود روحیه بی تفاوتی و عدم خودجوشی در بین ساکنین - وجود شخصیتی محافظه کار در اکثر ساکنین	- ایجاد انگیزه در ساکنین به منظور مشارکت - آگاهی نسبی ساکنین از مشارکت - جود اعتماد به نفس محدود در بین ساکنین - ایجاد حس تعامل به مشارکت با رغایت متافع فردی در بین ساکنین - از بین رفتن روحیه بی تفاوتی و ایجاد حس خودجوشی در بین ساکنین	- وجود حس تعلق در بین ساکنین - وجود انگیزه لازم به منظور مشارکت در بین ساکنین - آگاهی های لازم از مفهوم مشارکت در بین ساکنین - وجود اعتماد به نفس در ساکنین به منظور مشارکت در نوسازی - وجود روحیه خود جوشی به منظور مشارکت خودانگیخته و واقعی
مدیریتی - قانونی	- فقدان نهادهای مشارکتی - برتری طلبی متخصصان و مسئولین امور شهری - عدم اعتقاد عملی به مشارکت مردم از دیدگاه مدیران - وجود قوانین دست و پاگیر در ارتباط با نوسازی مشارکتی - عدم قوانین موثر در نوسازی مشارکتی - نهادینه نبودن مشارکت در بین ساکنین و مسئولین	- گرایش به ایجاد نهادهای مشارکتی - اصلاح محدود دیدگاه متخصصان و مسئولین نسبت به باور توانایی های ساکنین - اصلاح محدود چهارچوب خشک اداری و قوانین دست و پاگیر - انجام اقدامات اولیه به منظور نهادینه کردن مشارکت در بین ساکنین	- وجود نهادهای مشارکتی در محلات فرسوده - متخصصان و مسئولین به این باور رسیده اند که در نوسازی مشارکتی ساکنین از توانایی های مناسبی برخوردارند که می توان به کار بست - تدوین قوانین موثر در نوسازی مشارکتی - نهادینه شدن مشارکت در بین ساکنین

منابع و مآخذ

۱. حبیبی، سید محسن، سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴)، شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۲۴-۱۵
۲. حسینی، سید جواد (۱۳۸۷)، مشارکت پایدار مردمی در نوسازی و بازسازی بافت های فرسوده شهری، سخن گستر، مشهد
۳. خوانساری زهرا، نیل فروشان، پریسا (۱۳۹۹) رابطه رسالت مسیر شغلی با رضایت تحصیلی: نقش میانجی خودکارآمدی تصمیم گیری و انطباق پذیری مسیر شغلی و نقش تعدیل گری مقطع تحصیلی، دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، بهار ۱۳۹۹، دوره ۲۱، شماره ۱
۴. شریفیان ثانی، محمد (۱۳۸۰)، مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت، شماره ۳۴، صص ۷۴-۸۷
۵. شوربایی، حسین (۱۳۸۶)، ارزیابی الگوهای مشارکت شهروندان تهرانی در طرح های توسعه ی شهری و ارائه ی الگوی بهینه (نمونه موردی: کوی ۱۳ آبان تهران (شهری)، پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس
۶. صرافی، مظفر و عبدالهی، مجید، (۱۳۸۷)، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۳.
۷. غلامی الهام (۱۳۹۹) تاثیر رضایت شغلی بر عملکرد سازمانی، رهیافتی در مدیریت بازرگانی، بهار ۱۳۹۹، دوره ۱، شماره ۲
۸. کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۰)، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، انتشارات قومس، تهران، صص ۴۲-۵۵
۹. کاکاوند، الهام، براتی، ناصر و امی نزاده گوهریزی، بهرام (۱۳۹۲). سنجش تطبیقی تصویر ذهنی شهروند و شهرساز به مفهوم کیفیت محیط شهری. باغ نظر
۱۰. موحد، نیما؛ فرجی، سمکو؛ یاری، حمید رضا (۱۳۹۲)، نقش سازمان های مردم نهاد برای مشارکت در بازسازی بافت های فرسوده نمونه موردی: بافت فرسوده بخش مرکزی شهر اهواز، نشریه جغرافیا، شماره ۳۶، صص ۷۹-۹۵.